


مراحل تربیت اخلاقی کودک با تأکید بر منابع اسلامی

✉ خیرالله امیری / دانش پژوه دکتری روان شناسی تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

kh.amiri2135@gmail.com

h.hosseinkhani@gmail.com

ali_hosseini@rihu.ac.ir

 orcid.org/0009-0000-4810-849X

هادی حسینخانی / استادیار گروه اخلاق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

سیدعلی حسینی زاده / دانشیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹

چکیده

هدف این مقاله بررسی مراحل تربیت اخلاقی کودک با تأکید بر منابع اسلامی است. مراحل تربیت اخلاقی کودک براساس روایات، به سه مرحله تقسیم می‌شود. برای این منظور، به روش توصیفی - تحلیلی، ارزش‌های اخلاقی قابل آموزش در هر مرحله از آیات، روایات و سیره عملی معصومان (ع) استخراج و تبیین شد. یافته‌ها نشان از آن دارند که در هر مرحله از مراحل تربیت، با تأکید بر منابع دینی و با در نظر گرفتن سطح رشد ذهنی کودکان، امکان و ضرورت آموزش برخی ارزش‌های اخلاقی به آنان وجود دارد. در مرحله زمینه‌ساز، عواملی مانند انتخاب همسر شایسته، نوع و کیفیت تغذیه و ارتباط سالم به صورت غیرمستقیم در تربیت اخلاقی کودک اثرگذارند و زمینه‌ساز شکل‌گیری صفات نیک در کودک خواهند شد. در مراحل دیگر، براساس منابع دینی به اقتضای ویژگی‌ها و نیازهای کودک، در هر مرحله صفات اخلاقی پسندیده‌ای مانند پرورش روحیه ظلم‌ستیزی، وفا به وعده، پرورش روحیه انفاق، پرورش راست‌گویی، رازداری، آموزش حیا و عفت‌ورزی، پرورش روحیه شکرگذاری و... آموزش داده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تربیت اخلاقی، تربیت کودک، تربیت اسلامی، منابع اسلامی، مراحل تربیت.

یکی از مسائل مهم که نظام‌های آموزشی - تربیتی، به‌ویژه در جوامع دینی و مذهبی با آن روبه‌روست، مسئله تربیت اخلاقی است (سجادی، ۱۳۷۹). تربیت اخلاقی، روح و روان متربی را از ردائیل و آفاتی که مانع شکوفایی درست ابعاد عقلانی، اجتماعی و... است، پاک می‌کند و زمینه را برای پرورش هرچه بهتر استعداد‌های دیگر فراهم می‌آورد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۱). اهمیت تربیت اخلاقی کودک و امکان آن، از منابع اسلامی قابل استفاده است. آیات و روایات متعددی این مطلب را تأیید می‌کنند که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: آیه استیذان (نور: ۵۸)، که به آموزش برخی آداب اخلاقی، مانند حیا و عفت‌ورزی به فرزندان صراحت دارد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۴۵)؛ آیه وقایه (تحریم: ۶)، که بر وجوب تربیت اخلاقی فرزندان در دوره کودکی دلالت می‌کند (موحدی‌پارسا، ۱۳۹۵، ص ۱۴۹)؛ و روایات متعددی که در زمینه آموزش ارزش‌های اخلاقی به‌صورت صریح یا ضمنی وارد شده‌اند؛ مانند روایاتی که از ارتباط جنسی در مقابل فرزندان به‌شدت نهی فرموده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵ ص ۴۹۹) یا روایاتی که درباره آداب بوسیدن و در آغوش گرفتن فرزندان در سنین خاص وارد شده‌اند (همان، ص ۵۳۳) یا روایاتی که بر آموزش برخی ارزش‌های خاص در سنین کودکی تأکید دارند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۲۵۶). تمامی این ادله به‌صراحت یا به‌صورت ضمنی امکان و ضرورت تربیت اخلاقی کودک را تأیید می‌کنند. با وجود منابعی بسیار غنی از آیات و روایات و سیره عملی معصومان علیهم‌السلام، پژوهشی که به‌شکل جامع و کامل این منابع را بررسی و تحلیل کند و مراحل تربیت اخلاقی کودک را از متن آنها استخراج نماید، به‌دست نیامده است و بیشتر پژوهش‌ها بخشی از این منابع را متذکر شده‌اند و از بخش‌های دیگر، یا غفلت شده است یا اگر هم بحثی صورت گرفته، جامعیت لازم را ندارد و همه سنین کودکی را دربر نمی‌گیرد. هدف این نوشتار روشن ساختن مراحل تربیت اخلاقی کودک است که در آن، افق‌های جدیدی در اختیار پژوهشگران قرار گرفته و با نگاهی توصیفی - تحلیلی به منابع اسلامی، به بحث و بررسی مراحل تربیت اخلاقی در سنین کودکی پرداخته شده است. در پژوهش‌های دیگر، به‌صورت جامع به مراحل تربیت اخلاقی کودک توجه نشده است.

براین‌اساس، سؤالاتی که در این پژوهش به آنها پاسخ داده شده است، عبارت‌اند از: ۱. مراحل تربیت اخلاقی کودک براساس منابع اسلامی کدام است؟ ۲. ارزش‌های اخلاقی‌ای که براساس منابع اسلامی امکان آموزش دادن به کودک را دارند، چیستند؟

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. تربیت

«تربیت» در لغت فارسی (معین، ۱۳۸۸؛ دهخدا، ۱۳۷۷؛ عمید، ۱۳۸۷) به معانی پروردن، پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن، و پرورش آمده است. درباره معنای اصطلاحی «تربیت» اختلاف‌نظرهای گوناگون وجود دارد و هر مکتبی براساس مبانی و پیش‌فرض‌های خود، معنایی از تربیت بیان کرده است. در میان اندیشمندان اسلامی نیز اختلافاتی در زمینه تعریف تربیت نمایان است. برخی اندیشمندان (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۲۷) در تعریف تربیت

چنین بیان می‌کنند: «تربیت فراهم کردن زمینه‌هایی است برای اینکه استعدادها و نیروهای یک موجود رشد کند تا بتواند از این نیروها برای رسیدن به کمال خودش بهره‌مند شود». شهید مطهری (۱۳۸۳، ج ۲۲) در این باره می‌گوید: «تربیت عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت درآوردن و پروردن». باقری (۱۳۹۲، ج ۱، ص ۶۱) تربیت را این‌گونه تعریف کرده است: «شناخت خدا به‌عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به‌عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدودن از ربوبیت غیر». حاصل کلام درباره تعریف تربیت و تعریف مختار عبارت است از: «پرورش دادن استعدادهای فطری و ایجاد محیطی مناسب برای شکوفایی چنین استعدادهایی و سوق دادن متربی به سوی ارزش‌های والای انسانی».

۱-۲. تربیت اخلاقی

در آثار و کتب اخلاقی علمای قدیم به چنین واژه‌ای برخورد نمی‌کنیم و بیشتر درباره اخلاق سخن گفته شده و این به دلیل درهم‌تنیدگی تربیت و اخلاق در نظر آنان بوده است. امروزه برای این اصطلاح تعاریف متعددی ارائه کرده‌اند. برخی با توجه به سه حوزه شناختی، گرایشی و کنشی به تعریف تربیت اخلاقی پرداخته‌اند؛ به این شکل که در حیطه شناختی، نهادهای آموزشی و پرورشی، اعم از خانواده، مدرسه و... به متربی در زمینه تفکر درباره مسائل مربوط به درست و نادرستی امور یاری می‌رسانند و به دنبال آن، متربی را به ارزش‌ها متمایل می‌سازند و آنان را در انجام رفتارهای اخلاقی و ارزشی یاری می‌دهند (سجادی، ۱۳۷۹). برخی دیگر (فقیهی، ۱۳۸۵، ص ۵۹) آن را شیوه و چگونگی ایجاد ملکات، حالات نفسانی و افعال بارز در انسان و دور ساختن ملکات، حالات و رفتارهای ضدارزش از او دانسته‌اند. عالم‌زاده (۱۳۹۶) تربیت اخلاقی را فرایند درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری پایدار شخصیت انسان براساس ویژگی‌های انسان کامل می‌داند.

براساس جمع‌بندی تعاریف، «تربیت اخلاقی» محصول ترکیب دو واژه «تربیت» و «اخلاق» است. بنابراین، تربیت اخلاقی به معنای زمینه‌سازی برای رشد و تعالی متربی در جهت آراسته شدن به صفات اخلاقی پسندیده و انجام رفتارهای اخلاقی و ارزشی مورد رضای خداوند متعال است.

۱-۳. مراحل

«مراحل» در لغت‌نامه دهخدا (۱۳۷۷، ص ۹۰) جمع مرحله، و در فرهنگ عمید (۱۳۸۷، ص ۳۰۰) جای فرود آمدن، منزل، جای کوچ کردن و مسافتی است که مسافر در یک روز طی می‌کند. واژگان مترادف «مراحل» در زبان فارسی عبارت‌اند از: مرحله‌ها، منزل‌ها، وهله‌ها، فازها و منازل. با توجه به معنای لغوی آن، «مرحله» مبدأ حرکت، و در تربیت، ابتدای شروع یک تغییر و گام برداشتن به سوی رشد و کمال است. در «مراحل»، تغییرات به سمت و سوی یک هدف معین صورت می‌گیرد.

۲. مراحل تربیت اخلاقی کودک

مراحل تربیت در اسلام براساس روایاتی است که مراحل تربیت را به سه هفت سال تقسیم کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶ ص ۴۷؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۷۶؛ صدوق، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۴۹۳). پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «فرزند تا

سن هفت سال سید و آقاقت؛ تا هفت سال بنده (فرمان بردار) است؛ و در هفت سال سوم وزیر است. اگر فرزند تا ۲۱ سال مؤدب به اخلاق شد که چه بهتر؛ در غیر این صورت، او را به حال خودش رها کن که وظیفه خود را انجام داده‌ای» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۷۶). براساس این روایت و روایات مشابه آن، که سه مرحله برای تربیت ذکر کرده‌اند، والدین تا ۲۱ سالگی فرزند وظیفه مراقبت و تربیت او را بر عهده دارند. یکی از ساحت‌های مهم تربیت در این سنین، تربیت اخلاقی است که براساس منابع اسلامی، ضرورت توجه به آن دوچندان است؛ چراکه شخصیت کودک تا این سنین شکل می‌گیرد و بعد از آن، تغییر مشکل است. مرحله سوم (مرحله وزارت) از آنجاکه خارج از موضوع این پژوهش است و دوران کودکی بر آن اطلاق نمی‌شود، از دایره بحث خارج است و نیاز به پژوهش مستقل دارد.

برای تربیت کودک یک مرحله قبل از تولد نیز قابل تصور است که مرحله زمینه‌سازی است؛ به این معنا که مقدمات لازم برای تربیت صحیح فرزند در این مرحله آماده می‌شود؛ مقدماتی مانند انتخاب همسر شایسته، آداب معاشرت و مراقبت‌های لازم در دوران بارداری (داوودی و حسینی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۴۵-۳۴). در منابع دینی، دستورالعملی برای دوران پیش از تولد کودک وارد شده است که ناظر به آماده کردن زمینه برای تربیت کودک و در برخی ناظر به ایجاد زمینه برای تربیت اخلاقی است. در ادامه، مراحل تربیت اخلاقی کودک براساس منابع اسلامی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. مرحله زمینه‌ساز تربیت اخلاقی

یکی از اهداف بلند اسلام برای تشکیل خانواده، فرزندآوری و تربیت فرزندی شایسته است که در مسیر تربیت صحیح اسلامی قرار گیرند و کمالات انسانی را در خود به‌فعلیت رسانند. از همین رو اسلام پیش از تشکیل خانواده، دستورالعمل‌هایی داده که بیشتر آنها ناظر به ایجاد و تربیت فرزندی شایسته و صالح است. روایات فراوانی در زمینه وراثت و تأثیر آن در تربیت و اخلاق نوزاد وارد شده است که توصیه می‌کنند شخص در انتخاب همسر شایسته و نیز درخصوص خانواده همسر و اطرافیان او دقت کند؛ چراکه خلق و خوی آنان در فرزند تأثیرگذار است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۵۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۰۶). در برخی روایات، ریشه فضایل اخلاقی را برخورداری از داشتن ریشه‌های پاک و اصیل دانسته‌اند. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «خوش اخلاقی نشانه کرامت ریشه‌هاست» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۴۶). در جنگ جمل، زمانی که آن حضرت فرزند خود محمدبن حنفیه را به میدان فرستادند و او در مواجهه با تیرها و نیزه‌ها توقف کرد، آن حضرت به فرزندشان فرمودند: «رگی از مادرت به تو رسیده است» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴۳). در این روایت، حضرت علت ترس محمدبن حنفیه را انتقال این ترس از جانب مادر می‌دانند. همان‌گونه که صفات نیک از طریق وراثت منتقل می‌شود، صفات غیراخلاقی نیز از این طریق انتقال می‌یابد.

فرزند در دوران جنینی از برخی شناخت‌ها بهره می‌برد. برخی از رفتارهای والدین پیش از تولد در شناخت صحیح کودک تأثیرگذار است. قرآن در آیه ۲۷ و ۲۸ سوره «مریم» به صراحت اعلام می‌کند که مادران انبیاء دارای خانواده‌ای اصیل، نجیب و پاک بودند: «(مریم) درحالی که او را در آغوش گرفته بود، نزد قومش آورد؛ گفتند: ای مریم! کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی! ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود و نه مادرت زن بدکاره‌ای».

این آیه اصالت و نجابت خانوادگی را در تربیت فرزند نشان می‌دهد؛ به‌ویژه نقش مادر را؛ آنجا که می‌گوید: «مادرت بدکاره نبود». عفت و پاکدامنی مادر مریم را مثال می‌زند و درواقع انتظار این است که از مادر عفیف و پاک، فرزندی پاک و عفیف پرورش یابد. برخی به مریم علیها السلام روی کردند و گفتند: ای خواهر هارون! پدر تو آدم بدی نبود؛ مادرت نیز هرگز آلودگی نداشت؛ با وجود چنین پدر و مادر پاک، این چه وضعی است که در تو می‌بینیم؟ چه بدی در طریقه و روش مادر دیدی که از آن روی برگرداندی؟ (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۵۰-۵۱). در نتیجه، این آیه نقش اصالت و نجابت خانوادگی مادر قبل از بارداری را می‌پذیرد و در تربیت دینی فرزند اثرگذار می‌داند. در منابع روایی نیز آثار اخلاقی خوبی برای پاک‌ی ولادت، و آثار ناشایستی برای ناپاکی ولادت ذکر شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۲۴؛ صدوق، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۳۱۶).

از امور دیگری که پیش از تولد کودک در تربیت او تأثیر بسزایی دارد، نوع و کیفیت تغذیه پدر و مادر است. غذای حرام در نوزاد تأثیر منفی می‌گذارد و زمینه‌ساز انحراف از مسیر کمال اوست. در مقابل، غذای حلال زمینه‌ساز تربیت اخلاقی مناسب کودک است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «(اثر) درآمد حرام در ذریه انسان، آشکار است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۲۵). همچنین کیفیت تغذیه نیز در تربیت اثرگذار است. نوع خوراکی که مادر استفاده می‌کند، در جنین اثر می‌گذارد. تغذیه، هم در جسم کودک اثر می‌گذارد و هم در اخلاق و رفتار او. از امام صادق علیه السلام سؤال شد: فرزندی متولد می‌شود که در او نادانی و ضعف است. حضرت فرمودند: سوبق بخور و همسرت را نیز امر به خوردن آن کن؛ زیرا گوشت را می‌رویند و استخوان را محکم می‌کند و فرزندی قوی برای شما به‌وجود می‌آورد (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۴۸۸). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره تأثیر خرما می‌فرمایند: «به زن باردار در ماهی که می‌خواهد فرزند به‌دنیا آورد، خرما دهید تا فرزند او بردبار و پاک شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۵۵). همچنین آن حضرت درباره کُندر می‌فرمایند: «به زنان باردار کندر دهید؛ زیرا عقل کودک را زیاد می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۳، ص ۴۴۴).

از مطالبی که گذشت، چند نکته استفاده می‌شود:

۱. تأثیر عوامل یادشده در شکل‌گیری فضایل اخلاقی: عواملی که ذکر شدند، نه تنها در جسم کودک اثرگذارند، بلکه در اخلاق و رفتار او نیز تأثیر می‌گذارند. روایات زیادی به این نکته اشاره دارند؛ مانند: روایات مربوط به انتقال صفات اخلاقی به فرزند یا روایات مربوط به تغذیه مادر که در نوزاد او تأثیرگذار است و او را صبور، باهوش و قوی بار می‌آورد.
۲. آسان کردن مسیر تربیت: هرچند کودک در ایجاد این عوامل دخلتی ندارد، ولی رعایت این امور مسیر انتخاب و گزینش کودک را آسان می‌کند و کودک میل و گرایش بیشتری برای آراسته شدن به ارزش‌های اخلاقی پیدا می‌کند.
۳. وراثت، عاملی مستقل در تربیت: اگرچه محیط یکی از عوامل مهم تربیت انسان قلمداد می‌شود، لیکن عامل وراثت نیز تأثیر شگرف و در برخی موارد جبران‌ناپذیری دارد و اثر وضعی خود را می‌گذارد.

۲-۲. تربیت اخلاقی کودک در مرحله سیادت

در منابع اسلامی و روایی، هنگامی که کودک متولد می‌شود، دستورهایی داده شده است و معصومان علیهم السلام آدابی را توصیه فرموده‌اند که این آداب حکایت از وجود نوعی درک و شعور در نوزاد دارد؛ آدابی مانند: غسل دادن، اذان و

اقامه گفتن، برداشتن کام کودک، انتخاب نام نیکو، تراشیدن سر نوزاد، عقیقه کردن و ختنه کردن. یکی از حساس‌ترین دوران‌های پرورش کودک، دوران شیرخواری کودک است. کودک در این سن نیاز به تغذیه مناسب، مراقبت و ابراز محبت دارد. برخی از این آداب زمینه ایجاد ارزش‌های اخلاقی در کودک را فراهم می‌کنند.

در منابع دینی، وظایفی را برای والدین در این سنین مشخص کرده‌اند که این وظایف تأثیر بسزایی در تربیت اخلاقی فرزندان دارد و به‌نحوی می‌توان برخی از آنها را در رابطه با جنبه شناختی تربیت اخلاقی ذکر کرد. در ادامه به برخی از مهم‌ترین وظایف والدین در این دوران، که با تربیت اخلاقی مرتبط است، اشاره می‌شود:

۱. **تغذیه مناسب:** بهترین تغذیه برای طفل در این سن، شیر مادر است. درباره شیر دادن به کودک و آداب، کیفیت، زمان و دیگر امور مرتبط با آن، روایات فراوانی در منابع دینی ذکر شده است (حراعلمی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۵۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۳، ص ۱۳۶۵)؛ اما آنچه در اینجا مهم است و مربوط به بحث تربیت اخلاقی است، انتخاب دایه برای شیر دادن و نوع تغذیه مادر در دوران شیردهی است. در صورتی که به هر دلیل مادر نتوانست به کودک شیر دهد، باید مراقب بود که چه کسی عهده‌دار شیر دادن به کودک می‌شود؛ زیرا از طریق شیر دادن، حالات و خلقیات شیردهنده به کودک منتقل می‌شود. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: کودکان خود را از شیر زنان بدکاره و دیوانه دور نگه دارید؛ زیرا که شیر سرایت می‌کند (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۱۵). امیرمؤمنان ﷺ نیز می‌فرمایند: «همان‌گونه که برای ازدواج (فرد شایسته را) گزینش می‌کنید، برای شیر دادن نیز گزینش کنید؛ چراکه شیر طبیعت‌ها را تغییر می‌دهد» (حراعلمی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۶۸). در روایات، از گرفتن زنان احمق، دیوانه، مجوسی، یهودی، نصرانی، زنی که صورت زشت دارد، زنی که ضعف چشم دارد و زناکار به‌عنوان دایه، نهی شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶ ص ۴۴؛ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۱۵). چنان‌که در این دسته از روایات مشاهده می‌شود، تغذیه کودک در خلقیات او تأثیرگذار است و صفات نیک و بد از این طریق به کودک منتقل می‌شود.

۲. **انتخاب نام نیک:** در روایات متعددی به مسلمانان توصیه شده است که برای فرزندان خود نام نیک انتخاب کنند. در روایات، یکی از حقوق فرزند بر پدر و مادر، انتخاب نام نیک بیان شده است. فردی نزد رسول اکرم ﷺ آمد و از حضرت پرسید: حق فرزندم بر من چیست؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «نام نیکو برای او بگذار و ادب او را نیکو کن و او را در جایگاهی مناسب قرار ده» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶ ص ۴۸). شیخ حراعلمی در کتاب *وسائل‌الشیعه* چندین باب در زمینه نام‌گذاری کودک آورده است و نزدیک به چهل روایت در آنجا ذکر می‌کند که نشان‌دهنده اهمیت این مسئله است (حراعلمی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۸۶-۴۰).

نام نیک، از ابعاد گوناگون در تربیت کودک تأثیرگذار است. یکی از این ابعاد، نوع رفتار دیگران با انسان است. انسان به‌صورت طبیعی به نوع اسم‌ها واکنش نشان می‌دهد. وقتی کودک نام نیک داشته باشد، به‌ویژه نامی که متناسب به معصومان ﷺ باشد، احترام طرف مقابل را برمی‌انگیزد. همچنین یکی دیگر از آثار نام نیک، جنبه تلقینی آن است. انسان چنانچه دارای نام نیکی باشد که فضیلتی را در خود دارد، مانند «ابوالفضل» یا «عبدالرحمن»، یا نام یکی از بزرگان را داشته

باشد، تلاش می‌کند متناسب با آن نام رفتار کند (حسینی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۷۱-۷۲). از آثار دیگر نام نیک این است که زمینه‌ساز ارزش‌های اخلاقی است. کودکی که به‌نام یکی از معصومان یا امامزادگان نام‌گذاری شده است، می‌کوشد رفتار و کردار خود را متناسب با آنان کند و آن امام یا امامزاده را الگوی خود در زندگی قرار دهد.

۳. گفتن اذان و اقامه در گوش کودک: یکی دیگر از وظایف والدین در قبال کودک، گفتن اذان و اقامه در گوش راست و چپ اوست. معصومان علیهم‌السلام به این امر سفارش اکید فرموده‌اند و در سیره عملی آنان چنین چیزی به‌وضوح آشکار است. این عمل نیز جنبه شناختی در تربیت اخلاقی کودک دارد و نشان‌دهنده درک کودک در ابتدای تولد است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به امیرمؤمنان علیه‌السلام سفارش فرمودند: «هنگامی که فرزند دختر یا پسر برای تو متولد شد، در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه بگو؛ چراکه باعث می‌شود شیطان ضرری به او نرساند» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۳). در سیره امام کاظم علیه‌السلام نقل شده است که آن حضرت، زمانی که فرزندشان امام رضا علیه‌السلام به‌دنیا آمد، در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه گفتند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۰۷). ممکن است برخی تصور کنند که چنین کاری به‌لحاظ تربیتی تأثیری ندارد؛ ولی علاوه بر اینکه سیره عملی معصومان علیهم‌السلام چنین بوده است و آن بزرگواران بدان امر فرموده‌اند، به‌لحاظ علمی نیز قابل توجیه است. پژوهشگران اثبات کرده‌اند که کودک در روزهای نخست تولد صحبت‌های ما را می‌شنود و در ذهن خود ضبط می‌کند؛ بلکه قبل از تولد نیز از چنین صداهایی متأثر شده، با آن صداها مأنوس می‌شود. در نتیجه، گفتن اذان و اقامه از جنبه‌های متعددی می‌تواند بر کودک اثرگذار باشد: یک جنبه آن تأثیرات جسمی و ایمنی از بیماری‌هایی است که روایات به آن اشاره کرده‌اند؛ جنبه دوم، ایجاد آرامش روحی برای انسان است و جنبه سوم، بعد آموزشی این عمل است که باعث می‌شود کودک با امور معنوی آشنایی پیدا کند و در آینده با آنها مأنوس شود (حسینی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۶۰-۶۱).

کودک وقتی دوران شیرخوارگی را پشت سر می‌گذارد و توانایی برقراری ارتباط کلامی با اطرافیان خود را می‌یابد، با اینکه آزاد است و ملزم به آموزش رسمی نیست و آمادگی آن را هم ندارد، اما به‌طور ضمنی و غیرمستقیم زمینه برای انتقال ارزش‌های اخلاقی به وی وجود دارد. این مطلب از منابع دینی هم قابل استفاده است. در ادامه به برخی از ارزش‌های اخلاقی که از منابع دینی به‌دست می‌آید و کودک زمینه آموزش چنین ارزش‌هایی را دارد، پرداخته می‌شود.

۳-۲-۱. پرورش روحیه ظلم‌ستیزی

حضرت زهرا علیها‌السلام در ضمن بازی فرزندان، برخی آموزه‌های دینی را در قالب شعر به آنان القا می‌فرمودند. این یکی از بهترین روش‌های آموزش به کودکان در این سنین است. در روایت آمده است که روزی آن حضرت با امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام بازی می‌کردند و به آنان در ضمن اشعاری چنین خطاب می‌فرمودند: «ای حسن! شبیه پدرت باش و ریسمان (ظلم و ستم) را از (گردن) حق برکن. خداوند منان را بندگی کن و کینه‌توز و حق‌ستیز را به دوستی مگیر» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۲۶۶). آن حضرت در ضمن این اشعار چند ارزش اخلاقی، مانند ضرورت الگوگیری فرزند از پدر، ظلم‌ستیزی، اطاعت و بندگی خداوند و دوست‌یابی صحیح را به فرزندشان آموزش می‌دادند.

یکی از ارزش‌های اخلاقی‌ای که کودک در این سن آن را به صورت غیرمستقیم می‌آموزد، وفای به وعده است. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «به کودکان محبت و ورزید و آنان را ترحم کنيد و اگر به آنان وعده‌ای داديد، به آن عمل کنيد؛ چراکه آنان این گونه باور دارند که روزی دهنده آنها شما هستيد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۹). در روایتی دیگر، امیرمؤمنان علی ﷺ فرمودند: «شایسته نیست) کسی از شما به کودکش وعده‌ای بدهد، سپس به آن عمل نکند؛ چراکه دروغ انسان را به فجور (افسارگسیختگی) می‌کشاند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۵۰). کودکان والدین خود را به عنوان الگویی کامل در نظر می‌گیرند و به رفتار و گفتار آنان توجه کامل دارند؛ در نتیجه، خلف وعده از جانب آنان را به عنوان رفتاری صحیح مدنظر قرار خواهند داد؛ و بعکس، وقتی کودک وفای به وعده را از جانب والدین مشاهده کند، این خصلت اخلاقی پسندیده در او نیز شکل می‌گیرد.

۳-۲-۳. پرورش روحیه انفاق

والدین در آموزش مفهوم اخلاقی «بخشش» به فرزندان نقش مهمی دارند. بهترین آموزش برای کودکان، تماشا کردن و تقلید از امور و رفتارهایی است که می‌بینند یا در اطرافشان می‌گذرد. بسیاری از کودکان این مفاهیم اخلاقی را از والدین خود الگوبرداری می‌کنند. در سیره عملی اهل بیت ﷺ نیز اهتمام زیادی به آموزش ارزش اخلاقی «انفاق» دیده می‌شود و آن بزرگواران این ارزش اخلاقی را به فرزندان خود آموزش می‌دادند و توصیه‌هایی در این زمینه ارائه می‌فرمودند. امام رضا ﷺ در نامه‌ای مفصل خطاب به فرزند گرامی‌شان امام جواد ﷺ، که در سنین کودکی قرار داشتند، توصیه می‌فرمایند:

فرزندم! به من خبر داده‌اند که چون از منزل بیرون می‌روی، غلامانت بخل و حسادت می‌ورزند تا چیزی از توبه کسی نرسد؛ از همین رو تو را از درب کوچک اندرونی بیرون می‌برند تا مبادا کسی از تو بهره‌مند شود. این نامه را به تو می‌نویسم؛ به همان حقی که بر تو دارم، قسمت می‌دهم با رفت‌وآمد از درب بزرگ بیرونی و عمومی، رفت‌وآمدت را علنی و آشکار کن و هنگام خروج از خانه، درهم و دینار همراه خود بردار تا اگر کسی از تو درخواستی کرد، به او چیزی ببخشی و مردم از خیر تو بهره‌مند شوند و به عطا‌یای تو خوشحال و مسرور گردند و دوست‌دار تو باشند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۳).

چنان که در این کلام نورانی مشاهده می‌شود، امام رضا ﷺ فرزند بزرگوارشان را قسم می‌دهند که حتماً چنین کاری را انجام دهد و این نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه انفاق است و کسانی را که مانع این کار می‌شوند، نکوهش کرده‌اند. همچنین آن حضرت به آثار بخشش اشاره می‌فرمایند که موجب بلند شدن مرتبه و جایگاه انسان در نزد خداوند متعال خواهد شد.

۳-۲-۴. پرورش راست‌گویی

یکی از ارزش‌های اخلاقی که آموزش آن را باید از دوران کودکی آغاز کرد و اسلام اهتمام ویژه‌ای به آن دارد، صداقت و راست‌گویی در کودکان است. بسیاری از رفتارهای بد و آزاردهنده‌ای که والدین از کودک و نوجوان خود مشاهده می‌کنند، ریشه در نوع رفتار آنها با فرزندان دارد. امام باقر ﷺ در کلامی نورانی درباره سیره عملی پدر بزرگوارشان امام سجاد ﷺ می‌فرمایند: آن حضرت فرزندان خود را نصیحت می‌کردند (و در این امر استمرار می‌ورزیدند) و می‌فرمودند:

«از دروغ کوچک و بزرگ، چه به صورت جدی و چه در حالت شوخی، دوری کنید و اطراف آن نگردید؛ چراکه انسان وقتی دروغ کوچک گفت، جرئت می‌کند که دروغ بزرگ بگوید» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۵۱).

برخی از عواملی که ممکن است کودک را به سمت دروغ‌گویی بکشاند و او را دروغ‌گو بار آورد، عباراتند از: تلقین دروغ‌گویی؛ دادن مسئولیت به کودک بیش از توان او؛ مقایسه‌های نابجا؛ و دادن وعده‌های دروغ. این امور در روایات به شدت نهی شده‌اند؛ برای مثال، در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شده است که فرمودند: «دروغ گفتن را (به فرزندان) تلقین نکنید؛ زیرا فرزندان یعقوب علیه السلام نمی‌دانستند که گرگ انسان را می‌خورد تا اینکه پدرشان به آنها تلقین کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۲۲۱). یکی دیگر از کارهایی که ممکن است کودک را به دروغ گفتن وادار کند، این است که بیش از توانش به او مسئولیت داده شود یا بزرگ‌ترها از او بخواهند کاری را انجام دهد که توانایی آن را ندارد. در این شرایط، امکان دارد که کودک برای جلب نظر بزرگ‌ترها و برای اینکه خودش را انسانی توانمند و بزرگ نشان دهد یا از تنبیه آنها در امان بماند، از گفتن این حقیقت که توان انجام آن کار را ندارد، خودداری کند و دروغ بگوید. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره کسی که فرزند خود را به کارهای صحیح و نیکو تشویق کند، چنین دعا کرده‌اند: «خدای متعال رحمت کند کسی را که فرزند خود را به نیکوکاری می‌خواند و او را در این راه کمک می‌کند». پرسیدند: چگونه او را به نیکوکاری کمک کند؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پاسخ دادند: «سیار خوب است که والدین کارهایی را که فرزندان در حد توان خود انجام داده است، از او بپذیرند و کارهایی را که توان انجام دادن آن را ندارد، یعنی برای غیرقابل تحمل است، از او نخواهند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶ ص ۵۰).

۲-۳. تربیت اخلاقی کودک از سن تمییز تا نوجوانی و بلوغ

سن تمییز از سنین شش تا هفت سال آغاز می‌شود. البته با توجه به اصل تفاوت‌های فردی، ممکن است این زمان در کودکان مختلف کمی متفاوت باشد؛ ولی عموماً در این سن قدرت تمییز پیدا می‌کنند. در این سن، کودک آمادگی فراگیری ارزش‌های اخلاقی را به صورت مستقیم پیدا می‌کند و تا حدودی مسائل جنسی را درک می‌کند و روحیه اطاعت و فرمان‌بری دارد و از حالت خودمحوری دوره قبل خارج شده است.

بررسی تمام مواردی که در منابع دینی آمده، به پژوهشی مستقل و فراتر از این نوشتار نیازمند است؛ از همین رو به برخی از مهم‌ترین ارزش‌های قابل آموزش در این سنین، به صورت خلاصه اشاره می‌شود.

۲-۳-۱. رازداری

از جمله ارزش‌های مهم در اسلام «رازداری» است و ضرورت توجه به آن در دوران کودکی، اهمیت آن را آشکارتر می‌سازد. هر انسانی در زندگی فردی و اجتماعی خویش خواه‌ناخواه اسرار ناگفتنی دارد که باید در نگاه‌داری آن کوشا باشد. برخی از این اسرار مربوط به خودش و برخی مربوط به خانواده یا جامعه اوست. آنچه حائز اهمیت است، این است که فاش کردن رازها ناشی از ضعف نفس و سستی عقل است؛ چه اسرار آدمی از دو حال بیرون نیست: یا

بیانگر سعادت و نیک‌فرجامی است یا خیر از نکبت و شقاوت و ناکامی می‌دهد. رازداری در هر دو حال نیکوست؛ زیرا اگر راز از سعادت انسان خیر دهد، اظهار آن موجب دشمنی بدخواهان و حسادت دیگران و توقع ارباب طمع و دون‌همتان می‌شود و اگر از ناکامی و نکبت آدمی خبر دهد، بروز آن شماتت دشمنان و اندوه دوستان و خفت در نظر ظاهرینان را در پی دارد. همچنین کسی که رازدار خویش نیست، نمی‌تواند اسرار دیگران را حفظ کند؛ چنان‌که امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره فرموده است: «مَنْ ضَعَفَ عَنْ حِفْظِ سِرِّهِ لَمْ يَقْوِ لِسْرٍ غَيْرِهِ» (تیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۹)؛ کسی که نتواند رازدار اسرار خویش باشد، نمی‌تواند اسرار دیگران را نیز حفظ کند.

اهمیت رازداری در دوران کودکی از داستان حضرت یوسف علیه السلام قابل استفاده است. آنگاه که آن حضرت خواب خود را برای پدر خویش بازگفت و سجده ماه و خورشید و یازده ستاره را ذکر کرد، حضرت یعقوب علیه السلام به جایگاه یوسف پی برد و از اینکه مبدا حسادت برادران برانگیخته شود، او را از نقل این خواب نهی کرد: «[یاد کن] آنگاه که یوسف به پدرش گفت: پدرم! من در خواب دیدم یازده ستاره و خورشید و ماه برایم سجده کردند! [پدر] گفت: ای پسرک من! خواب خود را برای برادرانت مگو که نقشه‌ای خطرناک برضد تو به کار می‌بندند. بدون شک شیطان برای انسان دشمنی آشکار است» (یوسف: ۵۴).

۲-۳-۲. آموزش حیا و عفت‌ورزی

یکی از ارزش‌های کلیدی که در این دوران لازم است به کودکان آموزش داد، حیا و عفت‌ورزی است. دسته‌ای از روایات وجود دارند که بر جدایی رختخواب کودکان از یکدیگر تأکید دارند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۶۰). این‌گونه روایات ناظر به این هستند که در این سن، نوعی تحول شناختی برای کودکان صورت می‌گیرد و آنان تا حدودی از برخی مسائل جنسی سر درمی‌آورند؛ بنابراین برای پیشگیری از قرار گرفتن کودکان در معرض آسیب‌های جنسی، چنین کاری برای والدین ضرورت دارد؛ چنان‌که برخی روایات نیز از بوسیدن جنس مخالف در کودکان منع می‌کنند؛ به این بیان که مردان دختری را که به سن شش سال رسیده است و زنان پسری را که هفت‌ساله شده است، نبوسند (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۷۹). این روایات همچنین بر این مطلب دلالت دارند که ممکن است کودکان نیز از این ناحیه دچار آسیب‌هایی شوند. در نتیجه، یکی از ابعاد تربیت اخلاقی در این سنین، پیشگیری از آسیب‌هاست. غریزه جنسی یکی از نقاطی است که انسان از آن ناحیه آسیب‌های جدی می‌بیند.

از دیگر ارزش‌های اخلاقی که در راستای عفت‌ورزی و حیا قرار می‌گیرد، مسئله اجازه گرفتن کودکان برای ورود به اتاق پدر و مادرشان است. خداوند در آیه ۵۸ سوره «نور» می‌فرماید: «ای اهل ایمان! باید بردگانتان و کسانی از شما که به مرز بلوغ نرسیده‌اند، [هنگام ورود به خلوت‌خانه شخصی شما] سه بار [در سه زمان] از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح؛ و هنگام [استراحت] نیم‌روز که جامه‌هایتان را کنار می‌نهد؛ و پس از نماز عشا. [این زمان‌ها] سه زمان خلوت شماست. بعد از این سه زمان، بر شما و آنان گناهی نیست». با توجه به اینکه کودک در

این سن از برخی امور جنسی سر درمی‌آورد و از طرفی، امور جنسی و مسائل مربوط به شهوت، زمینه‌ساز نفوذ شیطان است و از این طریق امکان به‌انحراف کشیده شدن انسان وجود دارد، والدین باید به‌دقت مراقبت کنند و کودکان را دربارهٔ برخی مسائل آشنا سازند.

۳-۲. پرورش روحیهٔ شکرگزاری در برابر خداوند

از مسائلی که فرهنگ اسلامی بر آن تأکید کرده و در قرآن و روایات خصلتی ارزنده و نیک برای انسان‌ها شمرده شده، شکرگزاری و سپاس از خداوند بابت نعمت‌های اوست. خداوند متعال ذکر و یاد خود را به‌همراه شکرش آورده است و این نشان از اهمیت شکر دارد و اینکه شکر نعمت، نوعی یاد خداوند است؛ چنان‌که در سورهٔ «بقره» آیهٔ ۱۵۲ می‌فرماید: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ»؛ پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا سپاس گزایید و کفران نعمت نکنید. در سیرهٔ معصومان علیهم‌السلام به آموزش شکرگزاری به فرزندان توجه شده است. در روایات آمده است: کودکی که به سن بلوغ نرسیده بود، نزد پیامبر عسقه کرد؛ سپس حمد خدا را به‌جای آورد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم او را برای چنین رفتاری تشویق کردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۲۵). در روایات نیز بر شکرگزاری از خداوند متعال بسیار تأکید شده است و سیرهٔ عملی معصومان علیهم‌السلام نیز گویای چنین مطلبی است؛ چنان‌که یکی از مناجات‌های اختصاصی امام سجاده علیه‌السلام تحت عنوان «مناجات الشاکرین» است.

۴-۲. عادت دادن به نماز و روزه

از دو جهت می‌توان نماز و روزهٔ کودک را زیرمجموعهٔ رفتارهای اخلاقی قرار داد: نخست اینکه رفتارهای اختیاری انسان را زیرمجموعهٔ تعریف اخلاق به‌معنای عام آن قرار دهیم؛ چنان‌که برخی اندیشمندان شیعه به آن قائل‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۹۸)؛ دوم اینکه نماز زمینه‌ساز شکل‌گیری رفتارهای اخلاقی نیک و دوری جستن از رفتارهای غیراخلاقی است؛ چنان‌که در آیات متعددی به این مطلب اشاره شده است. خداوند متعال در سورهٔ «معاراج» (آیات ۱۹-۲۳) می‌فرماید: «همانا انسان حریص و بی‌تاب آفریده شده است؛ آنگاه که آسیبی به او رسد، بی‌تاب است و هنگامی که خیر و خوشی [و مال و رفاهی] به او رسد، بسیار بخیل و بازدارنده است؛ مگر نماز گزاران؛ آنان که همواره بر نمازشان مداوم و پایدارند». از این آیه معلوم می‌شود که نماز عامل بازدارنده از حرص، جزع و فرغ و بی‌تابی است. در آیه‌ای دیگر (عنکبوت: ۴۵)، نماز عامل بازدارنده از فحشا و منکر قلمداد شده است. روزه نیز همین‌گونه است و باعث شکل‌گیری ارزش‌های اخلاقی متعددی مثل صبر و بردباری در انسان می‌شود.

نماز از ارزش‌هایی است که در دین اسلام تأکید فراوانی دربارهٔ آن صورت گرفته است و آموزش آن را باید از زمان کودکی آغاز کرد. هرچند کودک در هفت سالگی به سن تکلیف نرسیده است، اما روایات متعددی به آموزش نماز به کودکان در این سن توصیه کرده‌اند. در روایتی، امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «ما کودکانمان را در پنج سالگی به نماز امر می‌کنیم؛ پس شما کودکانتان را در هفت سالگی به نماز امر کنید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۰۹).

واژه «مروا» صیغه امر است و بر وجوب دلالت دارد. اگرچه در این سن نماز بر کودک واجب نیست و جنبه استحبابی دارد، ولی بر پدر و مادر واجب است از جنبه مقدماتی و عادت‌دهی کودک، او را به چنین امری وادارند (اعرافی، ۱۳۹۳، ص ۷۶). البته باید مراقبت شود که کودک در ابتدا از نماز خاطره خوب پیدا کند؛ در نتیجه لازم است در کمترین زمان آن را به‌جا آورد تا احساس نکند که این عبادت مزاحم بازی و تفریحات اوست. در سیره امام سجاده علیه السلام آمده است که آن حضرت به کودکان توصیه می‌کردند که نماز ظهر و عصر و نیز نماز مغرب و عشا را با هم بخوانند و لازم نیست که آن دو را در وقت فضیلت بخوانند. وقتی از حضرت دلیل این کار را می‌پرسیدند، حضرت می‌فرمودند: کودکان باید با نماز انس گیرند تا عبادت بر آنان سنگینی نکند و عبادت را دوست بدارند و به آن رغبت پیدا کنند. همچنین آن حضرت توصیه می‌فرمودند که کودکان را به نمازهای مستحبی وادار نکنید و بگذارید به نمازهای واجب عادت کنند (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۹۳).

یکی دیگر از واجبات دینی که اهمیت زیادی دارد و لازم است کودکان قبل از رسیدن به سن بلوغ با این واجب الهی آشنا شوند و آن را تمرین کنند تا وقتی به سن تکلیف رسیدند، به راحتی آن را انجام دهند، روزه است. والدین نباید تکالیف دینی را یکباره به کودک بگویند؛ چون تکالیف سخت و مشقت‌آور به شدت از روحیه دینداری و دین‌باوری کودک می‌کاهد. پسران بعد از پانزده سال و دختران بعد از نه سال قمری به سن تکلیف می‌رسند؛ ولی نباید آموزش تکالیف دینی را به کودکان تا سن بلوغ به تأخیر انداخت. اگر والدین فرزند خود را از همان دوران کودکی با مسائل دینی آشنا نکنند، انجام دادن برخی از امور واجب مانند نماز و روزه در سن تکلیف و پس از آن، برای نوجوانان سخت می‌شود و ممکن است با کوچک‌ترین بهانه آن را ترک کنند. از این رو بهترین فرصت برای تربیت، همان سال‌های ابتدایی کودک است. کودکان ظرفیت آن را دارند که بتوانند تحت تربیت دینی قرار گیرند و مطالب دینی را در حد فهم خود درک کنند. روزه نسبت به نماز دارای سختی بیشتری است و برای کودکان سخت‌تر است. با توجه به اینکه کودک در سنین رشد قرار دارد و در طول روز چندین مرتبه مشغول خوردن و آشامیدن است، برای او بسیار سخت است که خود را کنترل کند. بر این اساس در روایات، سن آموزش روزه‌داری به کودکان نسبت به نماز با کمی تأخیر بیشتر صورت می‌گیرد. در روایتی از امام کاظم علیه السلام آمده است که حضرت فرمودند:

ما کودکان خود را در پنج سالگی به نماز فرامی‌خوانیم و شما کودکان خود را در هفت سالگی به نماز دستور دهید. همچنین ما کودکان خود را در هفت سالگی به گرفتن روزه امر می‌کنیم؛ همان مقداری که از یک روز می‌توانند روزه بگیرند؛ هرچند تا نصف روز یا بیشتر از آن یا کمتر از آن باشد؛ و وقتی تشنگی بر آنان غلبه کرد، افطار می‌کنند؛ تا به گرفتن روزه عادت کنند و توان گرفتن آن را بیابند. شما نیز فرزندان خود را هنگامی که نه‌ساله شدند، به گرفتن روزه وادارید. هر قدر از روز را که می‌توانند، روزه بگیرند و وقتی تشنگی بر آنان غلبه کرد، روزه خود را افطار کنند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۰۹).

چنان که در این روایت ملاحظه می‌شود، بسیار تأکید شده است که کودک در روزه‌داری احساس مشقت نکند. والدین باید در آموزش و تمرین روزه انعطاف‌پذیر باشند و میزان توان کودک را در نظر داشته باشند. نکته قابل

استفاده دیگر از این روایت این است که در اقدامات تربیتی نباید هدف اصلی را فراموش کرد و آن آشناسازی و عادت‌دهی فرزندان به تربیت عبادی و ایجاد انس و چشاندن شیرینی یاد و ارتباط با خداست؛ نه اینکه کودک به شکل مصنوعی و مکانیکی و به هر قیمتی عبادت کند (اعرافی، ۱۳۹۳، ص ۹۱).

از روایاتی که ذکر شد، چند مطلب استفاده می‌شود:

۱. در آموزش ارزش‌های اخلاقی، عبادی و... توجه به امر تدریج و در نظر گرفتن توان و ظرفیت کودک نیز امر مهمی به‌شمار می‌آید؛

۲. وظیفه‌ای که در این روایات بر عهده والدین گذاشته شده، به قراین لئی و ارتکازی، مشروط به احتمال تأثیرگذاری بر فرزند است و هدف و فلسفه آن، عادت‌دهی و ایجاد آمادگی روحی و جسمی است (اعرافی، ۱۳۹۳، ص ۹۱)؛

۳. در تربیت اخلاقی، علاوه بر توجه به آموزش فضایل اخلاقی، لازم است به ردایل اخلاقی نیز توجه داشت. افزون‌بر آن، آموزش فضیلت‌ها و ردیلت‌ها باید به‌طور جامع صورت گیرد و محدود به چند فضیلت یا ردیلت نشود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲)؛

۴. اگرچه اغلب آموزش‌ها در ابتدای کودکی به‌صورت تلقینی و غیرمستقیم صورت می‌گیرد، اما به فراخور رشد عقلی کودک لازم است که از استدلال‌های عقلی در این زمینه نیز بهره جست (همان).

نتیجه‌گیری

با توجه به مفهوم تربیت اخلاقی و مراحل سه‌گانه تربیت در روایات، چنین استنباط می‌شود که تحقق تربیت اخلاقی، نه‌تنها از ابتدای کودکی، بلکه پیش از تولد امکان دارد و باید زمینه‌های آن فراهم شود. براساس منابع دینی، در هر مرحله، کودک به‌تناسب سن و سال آمادگی پذیرش برخی از ارزش‌های اخلاقی را دارد. اگرچه در مرحله پیش از تولد، اراده کودک دخیل نیست و در شکل‌گیری ارزش‌های اخلاقی نقشی ندارد، اما والدین زمینه چنین امری را ایجاد خواهند کرد. در مراحل دیگر تربیت نیز با وجود تفاوت در سطح درک و فهم و اختیار کودک، تحقق تربیت اخلاقی امکان‌پذیر خواهد بود و منابع دینی، اعم از آیات و روایات و سیره عملی معصومان علیهم‌السلام، آن را تأیید می‌کند. در مرحله زمینه‌سازی، انتخاب همسر شایسته، نوع و کیفیت تغذیه، و ارتباط سالم، زمینه شکل‌گیری صفات نیک در کودک را فراهم می‌آورد. در مراحل دیگر، شواهدی از آیات، روایات و سیره معصومان علیهم‌السلام به‌دست آمد که در این مراحل، صفات اخلاقی پسندیده‌ای مانند پرورش روحیه ظلم‌ستیزی، وفای به وعده، پرورش روحیه انفاق، پرورش راست‌گویی، رازداری، آموزش حیا و عفت‌ورزی، پرورش روحیه شکرگذاری و... آموزش داده می‌شود.

منابع

- ابن ابی‌الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبه‌الله، ۱۴۰۴ق، *شرح نهج البلاغه*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ابن حیون، نعمان بن محمد، ۱۳۸۵ق، *دعائم الإسلام*، قم، مؤسسه آل‌البیت ❀.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- اعرافی، علیرضا، ۱۳۹۳، *تربیت فرزند با رویکرد فقهی*، قم، مؤسسه اشراق و عرفان.
- باقری، خسرو، ۱۳۹۲، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، چ سی و یکم، تهران، مدرسه.
- برقی، احمد بن محمد بن، ۱۳۷۱ق، *المحاسن*، تصحیح جلال‌الدین محدث، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، *غرر الحکم و درر الکلم*، تصحیح سیدمهدی رجائی، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۹۱، *حقوق تربیتی کودک در اسلام*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حرامعلی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت ❀.
- حسینی‌زاده، سیدعلی، ۱۳۹۱، *تربیت فرزند (سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل‌بیت ﷺ)*، چ یازدهم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- داوودی، محمد و سیدعلی حسینی‌زاده، ۱۳۸۹، *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل‌بیت ﷺ*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، *لغت نامه دهخدا*، چ دوم، تهران، امیرکبیر.
- سجادی، سیدمهدی، ۱۳۷۹، «تربیت اخلاقی از منظر اسلام و پست مدرنیسم»، *پژوهش‌های فلسفی - کلامی*، ش ۳، ص ۴۷-۹۰.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- ____، ۱۳۷۶، *الامالی (للمصدق)*، تهران، کتابچی.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ق، *تهذیب الاحکام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- عالم‌زاده نوری، محمد، ۱۳۹۶، *راهبرد تربیت اخلاقی در قرآن کریم*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- عمید، حسن، ۱۳۸۷، *فرهنگ فارسی عمید*، چ بیست و نهم، تهران، امیرکبیر.
- فقیهی، سیداحمد، ۱۳۸۵، «تربیت اخلاقی از منظر قرآن»، *معرفت*، ش ۱۰۷، ص ۵۸-۶۶.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، ۱۴۰۶ق، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی ❀.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۶، *دروس فلسفه اخلاق*، چ ششم، تهران، اطلاعات.
- ____، ۱۳۸۸، *تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❀.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- معین، محمد، ۱۳۸۸، *فرهنگ معین*، چ بیست و ششم، تهران، امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موجدی پارسا، فاطمه، ۱۳۹۵، *تربیت اخلاقی کودکان سرور براساس آموزه‌های اسلام (آیات و روایات)*، رساله دکتری، مشهد، دانشگاه فردوسی.